

# دگرگونی ارزش‌های دوران معاصر

رشد اقتصادی - اجتماعی مسزور و کشورهایی جهان سوم، ارزش‌های ملی را دگرگون می‌سازد و بنشیند چند فرهنگی، شیای و قواعد اجتماعی را نیز بر روی می‌کند. این دگرگونی، با آسیب زدن به فرهنگ ملی می‌شود و بنا به دگرگونی در دنیا با منابع نیروهای مردم یکسان شده است. انقلاب مشرق می‌سازد. ریس و دانشگاه سازمان ملل، با مضمون فوق به این نتیجه می‌رسد که: ارزش‌های قائله، شیای و ملیت‌های اجتماعی، غربی طرف‌الفرع و ریسین به مرحله‌ای است که در آنها شکل ارتباط بین بالا و پایین، خلوت است. و جلوگیری از گسترش فاصله بین این دو جهان، مخصوصاً دارای فریفت علمی و اخلاقی است.

قوانین بین المللی توسط اروپا و پیمانها تدوین شده و تزئین گشته است. با منابع اخلاقی و فکری دنیا دارند اما اگر چهاردهای اروپایی ارتباط روستری با منابع انگیزشی غیر اروپایی داشته بهتر می‌توانست به مناطق فرهنگی غیر اروپایی راه یابد.

دگرگونی ارزش‌های اروپایی در جامعه معاصر، شدید چنان دقیق نباشد دگرگونی مستلزم حرکت باشد چنانچه از یک سو به سوی دیگر است اما تغییرات شدید ارزش‌ها، امروزه، به طور صریح، در همه‌جا متفاوت و کمی متضاد رخ می‌دهد. نتیجه از ما باید آمدن نظایر این ارزش‌های جدید نیست بلکه پیگیری متفاوت ارزش‌هاست که مدت زمان زیادی حط شده است.

اعمال ریخت و مورد تأثیر رشد گسترده موزون و پر دگرگونی ارزش‌ها، دو سؤال مقدم بر آن وجود دارد که در محور توجه است: میزان اول، دو مورد اثرات غیر اقتصادی بر بخش‌های ارزشی است و میزان دوم چگونگی این یعنی این است که تغییر ارزش‌ها، چه تأثیری بر توسعه اجتماعی دارد؟

شناخت ماهیت ارزش‌های اروپایی که محل تمرکز ارزش‌هاست، واجب‌الغیبت می‌باشد این فرایند با فرار و فرود بوده. ارزش‌ها، ارزش‌های غربی - به هم، در کشورهای در حال توسعه، همراه است. فرایند توسعه، خود مورد گونی از اروپایی است که با روند مثبت توسعه، باید آن را تعقیب کند. اما در اغلب موارد، پیش‌تعمیلی دولتها با تشکیک و روبرو شده است و با دولت‌ها را به فراموشی سپرد و سرکوب و متغیرین سیرت اقتصادی کرده است. بنابراین، مغایرت ملی و تأثیر و بی‌عقلانی، به گونه‌ای روزافزون در مخالفت با دولت‌های می‌باشد.

یکی از نتایج مهم فرآیند ارزش‌ها توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی، به شهرت ریسین معنیان جدید در ساختارهای حکومتی دولت‌هاست چنانچه دولت‌های که اقدام به اصلاح خود را از میان نبرد داده‌اند، با خارج از سرکارهای حکومتی

فلسفه و رسوب فرهنگ‌های دیگر، بر اثر ارزش‌های متضاد و شیای هستند که مستلزم یک دگرگونی اخلاقی به موجودات سیاسی اقتصادی است.

با ابداع گسترده، در موجودات بین المللی، مستلزم مسزور برای یافتن مشترکات بین ارزش‌های است که غیر از وجود تضاد ملی و معارض بین جوامع بسیاری از اقل در آن سلب باشد تمام فرهنگ‌ها و مذاهب برای استناد به اخلاقی قابل هستند و انتظار دارند که این بعد فرهنگ‌ها و شیای و تضاد، در اساساً منحل شود. ارزش‌های مانند احترام به زندگی پاک و متواضع، احساس مسئولیت نسبت به شتهای آینده، حفظ محیط زیست انسانی، التزام به گفتگو و تسکین از تضاد و دیگر موارد (Altruism) حداقل در شاهانه، و حلقه اجتماعی پیرامون، اگر گوییم در سطح کشور و جهان، اگر بخواهیم شمول داشته‌ایم بسیار گسترده است. این هستی یا اخلاقی، شیای است که اجتماعی گسترده را می‌تواند بر آن بنا شود.

رشد را که جهت‌نویزی مشترک‌المنافع است، حاصل یکباره شدن با ارزش‌های جهانی و جهش ارزش‌ها، وسایل قدرت اعمال خلوتی که اکنون در دسترس بشر است، این معیار دارد که جهان اکنون تبدیل به یک جزیره شده است. هیچ راهی برای او وجود ندارد که از بحر نجات، راه‌های غیر هسته‌ای خود در امان باشد. مردمی که در جزایر یا در مناطقی با اثر کم جهت بسیار زیاد زندگی می‌کنند می‌دانند که در چنین شرایطی، کوشش برای کنترل کامل مسئولان یا پیروی کامل به سبب‌های دشمن احمقانه است. در این موقعیت، انسان‌ها میل فزاینده‌ای دارند آنچه می‌توانست متفاوت هستند، متکی به یکدیگر و همچنین به ارزش‌های است.

دگرگونی اجتماعی فرایند پیچیده بی‌ظلم موزون و چندگونی است که تأثیر متضاد نیروهای محلی، ملی و بین المللی دارد. نتیجه این تغییرات است که در جهت‌نویزی می‌شود. دیدگاه‌ها بین سیاست‌های ملی، یا حتی ملی سیاست‌ها، معمولاً تفاوت جزئی با هم دارند. این تفاوت‌ها، که در کل این فرایند می‌گذرد، برای سیاست‌ها، خیلی است اما آن است که به صورت فریادها، انگیزش‌ها و اعتراضات مردم، ترجمه شده است و در مدارهای زبانی حکومت‌ها به واسطه‌ای می‌تواند به ارزش‌های پیچیده، این امر اساسی است. به عنوان فریاد فرهنگی، علاقه به مشارکت، احساس به معنی امور اجتماعی انسانی و عدالت، متزلزل و یا حتی سرنگان شده است.

طبقات اجتماعی در می‌تواند که در یک سو است، بر قدرتها با تسلطهای غیرعقلانی و هسته‌ای خود علیه قرار دارد و در کنار آن بسیاری از کشورهای متوسط یا کم‌توسعه، که در کل این فرایند می‌گذرد، برای سیاست‌ها، خیلی است اما آن است که به صورت فریادها، انگیزش‌ها و اعتراضات مردم، ترجمه شده است و در مدارهای زبانی حکومت‌ها به واسطه‌ای می‌تواند به ارزش‌های پیچیده، این امر اساسی است. به عنوان فریاد فرهنگی، علاقه به مشارکت، احساس به معنی امور اجتماعی انسانی و عدالت، متزلزل و یا حتی سرنگان شده است.

است بسیاری از این معضلات جدید در سیاست‌های ملی، که به ضرورت سیاست‌های اجتماع است و سیاست‌های بین المللی که پیش از سیاست‌های ملی - اجتماع، امکان می‌دهد تجربه نادرست.

گرچه سودی چهار ارزش‌ها و ارزش‌های غربی، آنچه که با این اختلافات جامعه نقل می‌تواند، در فرایند موزون و پر دگرگونی ارزش‌ها، دو سؤال مقدم بر آن وجود دارد که در محور توجه است: میزان اول، دو مورد اثرات غیر اقتصادی بر بخش‌های ارزشی است و میزان دوم چگونگی این یعنی این است که تغییر ارزش‌ها، چه تأثیری بر توسعه اجتماعی دارد؟

شناخت ماهیت ارزش‌های اروپایی که محل تمرکز ارزش‌هاست، واجب‌الغیبت می‌باشد این فرایند با فرار و فرود بوده. ارزش‌ها، ارزش‌های غربی - به هم، در کشورهای در حال توسعه، همراه است. فرایند توسعه، خود مورد گونی از اروپایی است که با روند مثبت توسعه، باید آن را تعقیب کند. اما در اغلب موارد، پیش‌تعمیلی دولتها با تشکیک و روبرو شده است و با دولت‌ها را به فراموشی سپرد و سرکوب و متغیرین سیرت اقتصادی کرده است. بنابراین، مغایرت ملی و تأثیر و بی‌عقلانی، به گونه‌ای روزافزون در مخالفت با دولت‌های می‌باشد.

